



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

واقعه بدخشان، اوج بی اعتمادی مردم به ارگانهای عدلی و قضائی!

۱۰ اگست ۲۰۱۴

در افغانستان فساداداری در ارگانهای گوناگون منجمله ارگانهای عدلی و قضائی یک پدیده نو نیست. رشوت و واسطه دو اصطلاح آشنا برای مردم افغانستان است که در دوره های مختلف بدرجات گوناگون مورد استفاده قرار داشته اند. در رژیم فعلی درجه فساداداری بخصوص رشوت و اعمال نفوذ زورمندان و مافیا در سطوح ملی و محلی بشکل بیسابقه بالا رفته است. وقتی در ادارات عدلی و قضائی فساد حاکم باشد، مامور ضبط قضائی کار را به درازا میکشاند تا از قانون شکن و حتی از شاکای پول بیشتر بدست آورد. قاضی رشوت خور بعوض تطبیق قانون مطابق به خواست کسی که رشوت میپردازد یا واسطه دارد، عمل میکند. این حالت مردم را از ارگانهای عدلی و قضائی بشدت دلسرد و مأیوس ساخته است. به همین علت مردم برای رسیدن به عدالت یا برای حل و فصل قضایای متنازع فیه شان در جستجوی بدیل برای پولیس، خازنوالی و محاکم میبرایند. این بدیل از جرگه های محلی آغاز میگردد و در برخی ولایات به محاکم طالبی می انجامد.

آنچه در بدخشان اتفاق افتاد افراطی ترین و غیر معمول ترین مثال حالت فوق است. آژانس خبری پژواک بتاريخ ۹ اگست ۲۰۱۴ از قول احمد نوید فروتن سخنگوی والی بدخشان خبر میدهد که هفته گذشته حینیکه شخصی بنام مولوی صبغت الله بعد از خریدن سودا از بازار راغستان بسوی منزل خویش روان بود، در راه توسط دونفر موتورسایکل سوار کشته شد. پولیس بعد از فعالیت کشفی در محلات ذیربط دونفر مظنون را به اتهام ارتکاب قتل دستگیر نمود. گروهی از مردم خشمگین بعد از به خاک سپاری مولوی، مظاهرة کنان بسوی تعمیر قوماندانی پولیس رفته بصورت دسته جمعی داخل تعمیر شدند و افراد دستگیر شده را با وسایل که برای تدفین با خود داشتند و چوب ها لت و کوب نموده کشتند. این حرکت به ذات خود در تضاد با قانون و مدنیت قرار دارد. مطابق به قانون اساسی و سایر قوانین نافذ ما تثبیت جرم، تعیین جزا و تطبیق آن از صلاحیت ارگانهای عدلی و قضائی میباشد. شهروندان حق ندارند تطبیق عدالت را بدست خود بگیرند. مظاهرة کنندگان بایست اصولاً منتظر طی مراحل عدلی و قضائی از جانب ارگانهای ذیصلاح میمانند. واقعیت اینست که اعتماد مردم افغانستان نسبت به ارگانهای عدلی و قضائی در طی سیزده سال گذشته گراف نزولی خود را پیموده است. باز گذاشتن دست منسوبین این ارگانه در چپاول اشخاص دخیل در قضایای جزائی و حقوقی و بجران قانونیت طی سیزده سال اخیر کار را به استخوان مردم رسانیده است. بی اعتمادی به ارگانهای عدلی و قضائی بدون شک یکی از علل مهم هجوم گروه معترض به دفتر پولیس و قتل مظنونین بدست خود همین گروه بوده است. چون درین حادثه شاکای یک نفره بلکه گروهی از مردم بود، گروه شاکای در خود این توان فیزیکی را میدید تا اتوریته پولیس آلوده به فساد را



نادیده گرفته خشونت را با خشونت جواب بدهد. هرگاه با این

واقعیه برخورد اصولی و مطابق با مواد قانون جزا و قانون اساسی افغانستان صورت نگیرد، خطر تکرار آن در زمانها و مکانهای دیگر از یاد مییابد. اگر به فرهنگ قانونشکنی از جانب زورمندان دولتی و غیردولتی پایان داده نشود، انارشیمی که حالا در سطوح بالا وجود دارد، بزودی ائتشار پانینی جامعه را نیز فرا میگیرد. از سیزده سال بدینسو فرهنگ معافیت زورمندان در کشور ما حاکم است. ناکفته پیداست که این فرهنگ خودسری بی حدود و حصر زورمندان، ادامه قدرت ناقصین حقوق بشر و ظهور انواع زرگویان و مافیا در کشور ما شده است. این حالت ائتشار مظلوم را دچار بیزاری از ارگانهای دولتی ساخته است. ارگانهای که صرفاً در خدمت زورمندان و مافیا قرار دارند. یگانه راه حل این مشکل پایان دادن به فرهنگ معافیت و تأمین حاکمیت قانون است.

"کمیته حقوق بشر فارو"